به نام خداوند متعال

انسان از دیدگاه اسلام

مبحث چهارم:

" انسان مطلوب از دیدگاه اسلام"

انسان مطلوب از دیدگاه اسلام

در این بخش سعی ما بر این است سیمایی را که اسلام از مؤمن به عنوان یک شخصیت مطلوب ترسیم می‌کند، ارائه دهیم و در انتها نیز به صورت تطبیقی، نظریه‌های انسان مطلوب در روانشناسی را با نظر اسلام در این باب در مواجهه و مقابله قرار دهیم.

۱. گرایش هسته‌ای (جهت کلی زندگی): ایمان آن گرایش هسته‌ای و جهت کلی زندگی مؤمن است. ایمان فرآیندی است که جهت گیری آن در افکار، احساسات و اعمال آشکار می‌شود. متعلق ایمان هم در قرآن در آیات متعددی بیان شده است: «خداوند متعال، روز بازپسین، فرشتگان یا ماموران تدبیر عالم، انبیا یا پیام آوران وحی و کتب الهی». با ایمان به عالم غیب و باور آن، ابعاد شناختی، عاطفی، اخلاقی و اجتماعی و در حقیقت، جهان بینی فرد تغییر می‌کند و صرفا در محدوده محاسبات کمی، مادی، عمل‌گرایانه یا سود طلبانه و به طور کلی دنیوی نمی‌گنجد.

این جهت گیری نه تنها انگیزه‌ای برای شکوفایی استعدادهای درونی او می‌گردد، بلکه موجب گسترش وجودی و اعتلای او در امتداد کمال مطلق و حقیقت هستی خواهد بود .

خصائل هسته‌ای: ساختارهای ثابت شخصیت مؤمن است که در حقیقت، اهداف، آرمانها و غرایز او را تعیین می‌کنند و برای تبیین افکار، احساسات و اعمال او به کار می‌آیند و عبارتند از :

الف – طهارت و حیات طیبه: حیات طیب به معنای زندگی پاک است و جمیع شئون انسانی را در بر می‌گیرد؛ از پاکی و طهارت جسمی تا فکری، عقلی، ابعاد شناختی، اخلاقی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی. این یک وصف وجودی است که در حقیقت، آرمانی برای مؤمن است و می‌تواند جزو ساختار شخصیت او قرار گیرد. چنین طهارتی، از طریق اطاعت فرامین و تکالیف الهی به دست می‌آید و در

ضمن مراتبی رشد و اعتلا می‌یابد .

ب – قرب خداوند: اگر چه خداوند در هر حالی به همه بندگان نزدیک است، لکن حصول این معنا برای انسان و احساس و توجه با آن است که می‌تواند به عنوان هدف نهایی در زندگی مؤمن مطرح گردد. این هدف در پرتو ایمان و عمل به لوازم آن حاصل می‌شود و کسانی که در این مسیر بر دیگران سبقت می‌گیرند و در مسابقه پیروز می‌شوند مدال مقربین را نصیب خود می‌سازند.

قرب به خدا، در حقیقت‌یک نزدیکی مکانتی است نه مکانی؛ که این امر با سعه وجودی انسان حاصل می‌شود و لذا می‌توانیم جزو خصائل هسته‌ای که ساختار شخصیت مؤمن را تشکیل می‌دهند، به حساب بیاوریم. موجودات در اصل آفرینش به هر نسبت که از وجودی کاملترند، یعنی از وجودی قویتر بهره‌مند هستند، به ذات الهی که وجود محض و کمال صرف است نزدیکترند. بنابراین بدون تردید می‌توانیم قرب به ساحت قدس خداوند متعال را از خصائل هسته‌ای و ساختارهای شخصیت مؤمن بشماریم .

ج – رضا: رضا یک حالت نفسانی در مؤمن است که نسبت به قضا و قدر الهی تسلیم است و نسبت به سرنوشت خود و اموری که بر او حاکم است (امور غیر اختیاری) خشم و نارضایتی ندارد.

بنابراین رابطه ایمان و رضا کاملا روشن است و می‌توانیم حالت «رضا» را در عین اینکه جزو آرمانهای یک مؤمن است از ساختارهای اصلی تشکیل دهنده شخصیت مؤمن هم به شمار آوریم؛ که در ابعاد هیجانی و عاطفی در برخورد با حوادث و مصائب و همه امور زندگی می‌تواند نمودار گردد .

د – فطرت: این بدان معناست که انسان چون لوح سفید به دنیا نمی‌آید، بلکه ساختار وجودی او دارای رنگ و بوی خاصی است.

بدون اینکه بخواهیم وارد مباحث فطرت بشویم(مثل اینکه: آیا محتوای آن مربوط به شناخت هاست، یا گرایش ها؟ و اینکه چیست و کدام است؟) همین قدر در اینجا خاطر نشان می‌کنیم که مطابق آیات و روایات فراوان نوعی آمادگی وجودی و ساختاری برای ایمان به خدا(حداقل) برای انسان ثابت می‌شود

که از آن تعبیر به فطرت می‌شود; مؤمن کسی است که از این ساختار وجودی استفاده می‌کند و آن را شکوفا می‌گرداند، بدون آنکه دچار خمول فطرت گردد.

۲. تعامل خصائل و گرایش های هسته‌ای با خارج: در این بخش شخصیت مؤمن در تعامل با امور خارج از خود، مثل خداوند، خانواده، نهادهای اجتماعی، اقتصادی و طبیعت و حتی با خود، دارای شیوه‌های برخورد خاصی است که از آن تعبیر به سنخ شخصیت و یا سبک‌زندگی می‌شود :

الف – عبودیت‌خدا: عبادات بیشتر ناظر به انجام و ظایف خاص بدنی است (مثل رکوع، سجود، طواف، اعتکاف و غیره) و یا به تعبیر دقیقتر، اموری که دارای نمودهای بدنی است (البته بخشهای قلبی و قصدی آن نیز مورد توجه است). ولی حقیقت عبادت، عبودیت و بندگی خداست؛ یعنی انسان، خدا را مالک و مدبر خویش بداند. در عین حال این بندگی و عبودیت، یک بعد عاطفی هم دارد که نمود های آن را به صورت اعمال، افکار و احساسات، در نماز و نیایش، تلاوت قرآن، تهجد، ذکر و مظاهر شدید هیجانی مثل گریستن یا شادی، که به تعبیر دقیقتر همان واحدهای اکتسابی شخصیت را می‌توانیم در اینجا نام ببریم. در بعد عاطفی مثل خوف و خشیت یا شوق و رغبت. همچنین می‌توانیم تجارب اوج عرفانی را برای مؤمنین ذکر کنیم که گاهی به صورت رؤیاهای صادقه و دلپذیر برای آنها اتفاق می‌افتد و گاهی هم در بیداری واقع می‌شود .

در ابعاد شناختی هم، تفکر و اندیشه عمیق در هستی و آفرینش الهی (از آن جهت که مرتبط با او هستند)و طلب شناخت و معرفت، در این زمینه مطرح می‌گردد. می‌توانیم حسن ظن به خدا را از همین مقوله بدانیم.

ب – احسان به خانواده: در مجموعه برخوردها و تعامل ها با خانواده، که در سه شاخه والدین، همسر و فرزندان قرار می‌گیرند، احسان و نیکی به والدین مهمترین عنصر برخورد است .

که این برخورد در مصادیق رفتاری متعدد «کارهای پسندیده و شایسته، گفتار نرم و خوب، تواضع و فروتنی، مهربانی و لطف و دعای خیر و غیره » نمود پیدا می‌کند. به طور خلاصه معیارهای مهم انسان مطلوب از دیدگاه اسلام (یعنی مؤمن) در این بخش، این است که؛

اولا: هر نوع رهبانیت و گوشه‌گیری ممنوع است و حتی با عذر سلوک معنوی نمی‌توان ترک همسر و تشکیل خانواده کرد.

ثانیا: باید خانواده محیطی همراه با الفت و محبت و احسان باشد و بر اساس معاشرت نیکو و حسن خلق اداره گردد.

ثالثا: خانواده و فرزندان، میدان آزمایشی برای مؤمنین است و باید زمینه‌ای برای پرورش روحیه معنوی و کمال باشد، نه آنکه مانع این مسیر و هدف شوند.

ج – روابط اجتماعی: اصولی که بر روابط اجتماعی مؤمنین حاکم است (که در حقیقت تعامل همان خصائص و گرایش هسته‌ای با خارج است) عبارتند از: با زبان نیکو با مردم سخن گفتن: «و قولوا للناس حسنا»، خوش رفتاری با مردم، جود و احسان، تعاون و همکاری، مواسات و اینکه خود را میزان روابط با دیگران قرار دهید. همچنین بر اتحاد و همبستگی، امر به معروف و نهی از منکر، عفو، ایثار، اجتناب از کارهای بیهوده و خصوصا بر اینکه در جهت قسط و عدالت در همه شئون جامعه بپا خیزید تاکید شده است: «العدل راس الایمان». در همین راستا، صدق و صفا و یگانگی با مردم اهمیت بسیار دارد: «الصدق راس الایمان و زین الانسان». البته این حالت صدق در زبان و فعل باید یکسان باشد . در این بخش می‌توانیم خصوصیات اخلاقی دیگری را نیز که حاکم بر روابط اجتماعی مؤمنین ذکر کنیم: صبر و بردباری در مشکلات و مصائب، امانتداری، وفای به عهد، عفت و پاکدامنی، فروتنی و

تواضع، عزت نفس در مقابل دیگران، حاکم بودن بر هوای نفس و شهوت .

به یک تعبیر کلی می‌توانیم معیار اصلی و حاکم بر جمیع روابط اجتماعی را «محبت برای خدا و دشمنی برای خدا» ذکر کنیم که در این صورت، رتبه‌بندی در مجموع روابط اجتماعی وجود دارد و به نسبتی که افراد به خداوند نزدیکتر باشند (روابط با مؤمنین) رابطه قویتر و بیشتر است. این مرتبه روابط اجتماعی، که همراه با ریشه‌های عمیق عاطفی است و از آن تعبیر به ولایت می‌شود، اختصاص به افراد داخل در دایره ایمان دارد: «المؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیاء بعض»، ولی در خارج از این دایره، وجود روابط اجتماعی ضعیفتر نفی نمی‌شود؛ خصوصا مراعات ادب و احترام در برخورد با دیگران از جنبه‌های عمومی دستورات اسلامی است .

در زمینه‌های شناختی نیز می‌توانیم در همین قسمت «عدم پیروی از گمان و پرهیز از سوء ظن»، «حمل به صحت و حسن ظن داشتن نسبت مؤمنین»، «آزادی فکر و عقیده» و «به دنبال حق و حقیقت بودن» را ذکر کنیم.

نتایج کلی این قسمت چنین است:

اولا: اسلام در زمینه روابط اجتماعی تاکید بر مردم آمیزی و اوصاف برون گرایی دارد؛ البته مشروط به آنکه با توجه به روابط خاص با معبود خود در خلوت، عزت نفس و استقلال نفس خود را از دست ندهد و هضم و جذب دیگران نشود.

ثانیا: مراعات عدل و انصاف و حسن خلق (خوش رفتاری و زبانی نیکو داشتن) در برخورد با مردم (حداقل) و از خودگذشتگی و ایثار و انفاق (در مرتبه بالاتر).

ثالثا: کیفیت و عمق عاطفی روابط با افراد، نسبت مستقیم با رابطه ایمانی آنها با خداوند متعال دارد .

د – خصوصیات مربوط به زندگی عملی و اشتغال: اخلاص در عمل، امانتداری، خوب کار کردن، کوشش مجدانه برای کسب رزق. مراعات‌میزان حلال و حرام و پرهیز از مشاغل و مکاسب حرام و درآمد حرام به طور کلی .

ه- خصوصیات مربوط به رابطه با طبیعت: بهره برداری صحیح از آن، استفاده از طیبات و محللات و پرهیز از محرمات؛ سیر و سیاحت عبرت آمیز در طبیعت؛ عدم تخریب طبیعت پرهیز از اسراف و تبذیر در بهره برداری از طبیعت.

و – ویژگی های مربوط به بدن: بهداشت و طهارت، ارضای متعادل غرایز و نیازهای فیزیولوژیک مثل گرسنگی، تشنگی، نیازهای جنسی، نیاز به استراحت، تفرج و تفریح و غیره عدم رهبانیت و تحمیل ریاضتهای شاق به خود، پاکیزگی و خلاصه در یک کلام: «مراعات اعتدال».

۳. افکار، احساسات و اعمال: سطح دیگر شخصیت است که از دیدگاه اسلام تک تک رفتار به معنای عام آن (شامل افکار، احساسات و اعمال) می‌تواند در پرتو ایمان و انگیزه الهی رنگ خاصی داشته باشد .

نظرات تطبیقی اسلام نسبت‌به شخصیت مطلوب:

۱. انگیزش: قصد تقرب به ساحت قدس خداوند متعال یا محبت و رضای او، انگیزه اصلی انسان مطلوب از دیدگاه اسلام است. این انگیزه‌ای است فرا رونده از خود، ولی در عین حال دارای جهت گیری کاملا مشخص؛ یعنی به سمت‌بالاترین مبدا آفرینش است.

این انگیزه از امور عبادی شروع می‌شود و دایره آن می‌تواند تمام گستره زندگی مؤمن را فرا بگیرد.

۲. تاکید بر هشیار یا ناهشیار: تاکید بر هر دو هست; لکن تاکید اصلی بر بخش هشیار انسان است که نمود اصلی‌آن همان اراده و کوشش در راه امور اختیاری است: «لیس للانسان الا ما سعی».

اوامر و نواهی در آیات و روایات نسبت به مؤمنین، به اعتبار همین اصل اساسی -یعنی قبول اراده و اختیار در انسان- و تاکید بر بعد هوشیاری برای «شدن» انسان است.

به طور کلی دستاورد انسانی تابع اراده اوست. در این قسمت می‌توانیم بگوییم نظرات روانشناسان مذکور با دیدگاه اسلام تقریبا مشترک است.

از طرفی قرائنی هم بر نقش داشتن بعد ناهشیار انسان در تشکیل شخصیت او و تعیین ساختارهای وجودی او، در آیات و روایات ملاحظه می‌کنیم. در آیات قرآن نمونه‌هایی از این نداهای ناهشیار یا تاثیرات ناهشیار را ملاحظه می‌کنیم: «هو الذی انزل السکنیه فی قلوب المؤمنین لیزدادوا ایمانا». مراد از انزال در آیه شریفه، خلق و ایجاد ثبات و اطمینان است. شعور مرموز وحی در انبیا نیز حکایت از همین تاثیرات ناهشیار بر انسان است که البته اختصاص به پیامبران الهی هم نداشته و می‌تواند الهامات، توفیقات و رهنمونهایی برای مؤمنین نیز باشد. خلاصه کلام اینکه، اسلام مجموعه عوامل دخیل در شکوفایی انسان را صرفا عوامل هشیار ارادی و محیطی و غیره نمی‌داند; بلکه عوامل ناهشیار و ماوراء الطبیعی نیز می‌توانند در این زمینه نقش داشته باشند.

۳. تاکید بر گذشته، حال یا آینده: تاکید اصلی بر زمان حال است: بنابراین تاکید اصلی برای شکوفایی استعدادها و نیروها زمان حال موجود است، که باید بدون از دست دادن فرصت و اشتغال به گذشته و افسوس بر آن یا غرق شدن در آمال و آرزوهای آینده دست به کار شد. از این جهت می‌توانیم بگوییم دیدگاه روانشناسانی که بر زمان و این مکان تاکید بسیار دارد، با دیدگاه اسلام تقریبا مشترک است؛ اما در عین حال در روایات و آیات نشانه‌هایی از تاثیر گذشته و نقش آینده در ساختن شخصیت مطلوب مشاهده می‌کنیم.

تاثیر گذشته: الف) از جهت تاثیر وراثت و انتقال ویژگیهای والدین به فرزندان. حتی مطابق برخی روایات، این‌تاثیر در شکل و شمایل فرد دارای سابقه‌ای، برابر همه نسلهای ماقبل وی می‌باشد.

ب) تاثیر محیطی که در آن رشد کرده است (دوران کودکی): از جهات تاثیر بر رشد و شکوفایی استعدادها، شکل و جهت‌دهی به رفتار، الگودهی و آموزش، انتقال ارزشهای اخلاقی و انتقال آداب و رسوم و قوانین اجتماعی؛ که البته در منابع اسلامی هم این تاثیرات مورد تایید واقع شده است. تاثیر گذشته فرد از نظر اسلام‌مورد تردید نیست، ولی مطلب مهم این است که: «با وجود کنش متقابلی که میان جنبه‌های ارثی و عوامل محیطی وجود دارد، ولی این تعامل همیشه تعیین کننده نیست، بلکه در قلمرو رفتارهای اختیاری انسان، تعامل وراثت و محیط، نقش زمینه‌ساز ایفا می‌کند و آنچه عامل تعیین کننده به‌حساب می‌آید، اراده و انتخاب شخص است». یعنی انسان مؤمن در اسلام، هیچگاه مجبور و اسیر دست بسته گذشته خود نیست و با اراده و اختیار آگاهانه خود مسیر کمال و تعالی خود را برمی‌گزیند.

نقش آینده را نیز در جهاتی مشاهده می‌کنیم:

الف) اسلام، داشتن اهداف دراز مدت معنوی را در رشد و کمال انسان مؤثر می‌داند، ولی اهداف و آمال و آرزوهای دور و دراز مادی را موجب سقوط انسان می‌داند.

ب) داشتن امید صادق و مطابق با واقع. خصوصا اگر امید به لطف و رحمت پروردگار باشد هیچ محدودیتی ندارد.

٤. تاکید بر افزایش یا کاهش تنش: نظر اسلام در این زمینه، افزایش تنش برای فعالیت فردی و اجتماعی است.

۵. نقش کار و هدف ها: اسلام نقشی حیاتی برای اهداف متعالی قائل است و در زمینه کار هم آن را برای حیات اقتصادی و اجتماعی مؤمن ضروری و لازم می‌داند و از جهات اخلاقی نیز، تاثیر مثبت دارد و حتی آن را امری مقدس می‌شمارد .بنابراین‌درشکوفایی استعدادهای انسان، «کار» امری مهم و ضروری است، کار در ابعاد شناختی نیز از جهت تمرکز قوه خیال و عدم اشتغال نفس به امور بیهوده، برای رشد و بالندگی انسان مؤثر است.

٦. احساس مسؤولیت نسبت به دیگران: اسلام به طور جدی بر این امر تاکید دارد و در حقیقت، درد نسبت به دیگران را حاصل درد خدا داشتن می‌داند.

وَلَا تَمْشِ فِی الْأَرْضِ مَرَحًا إِنّکَ لَنْ تَخْرِقَ الْأَرْضَ وَلَنْ تَبْلُغَ الْجِبَالَ طُولًا

و هرگز در زمین به کبر و ناز مرو و غرور و نخوت مفروش، که به نیرو زمین را نتوانی شکافت و به کوه در سربلندی نخواهی رسید.

و من الله التوفیق

سیّد علی هاشمی

راههای ارتباط و بیان نظرات، پیشنهادات، انتقادات و طرح سوالات از طریق

پیام رسان های سروش، تلگرام و واتساپ با شماره (۰۹۱۲۷٤۰۳٤۰۸)